

تأثیر جغرافیای اقتصادی قهستان در مناسبات نزاریان و سلجوقیان

سیدمحمد رضا سادسی*

محمدحسن الهی‌زاده**

چکیده

جغرافیای اقتصادی بخشی از جغرافیای انسانی است که در آن دو عامل انسان و طبیعت در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند و چگونگی بهره‌برداری انسان از منابع بررسی می‌شود. این منابع گاهی طبیعی و در مواردی نیز نشأت گرفته از نیازهای مادی انسان هستند که تجارت یا روابط بازرگانی، نمونه بارز دسته دوم است. برقراری امنیت راه‌های تجاری لازمه رونق تجارت در هر منطقه است. حضور فعال نزاریان در قهستان امنیت جاده‌ها را با خطر جدی مواجه کرد؛ این امر در آغاز سلجوقیان و حکام مناطق هم‌جوار را به واکنش‌های نظامی و در نهایت تعامل با نزاریان واداشت. ارتباط موجود میان سیاست قلعه‌گزینی نزاریان در قهستان و درگیری‌های مکرر سلجوقیان با آنان، پرسش مطرح شده در پژوهش حاضر است. جواب فرضی به پرسش مطرح شده این است که اختلالی که نزاریان به لطف استحکامات خود در امر تجارت ایجاد می‌کردند، صدمات اقتصادی جبران‌ناپذیری را بر سلجوقیان وارد می‌آورد و به دنبال آن، درگیری با نزاریان را امری اجتناب‌ناپذیر می‌کرد.

کلیدواژه‌ها: سلجوقیان، نزاریان، قهستان، دُرُح، طیس مسینا.

۱. مقدمه

جغرافیای اقتصادی شاخه‌ای گسترده در جغرافیا است که انواع فعالیت‌های اقتصادی را با

* کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول) sadesi2002@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ، دانشگاه بیرجند mhelahizadeh@birjand.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۸

توجه به مکان و فضا مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. از آنجایی که مناسبات متقابل گروه‌های انسانی با شرایط و مقتضیات طبیعی با واسطه نوع معیشت صورت می‌گیرد، بررسی نظام معیشتی انسان‌ها و تنوع حاکم بر آن‌ها، مهم‌ترین هدف این شاخه از جغرافیا قلمداد شده است (فرید، ۱۳۶۶: ۲۶۱).

آغاز تکاپوی اسماعیلیان نزاری در ایران، با تسخیر قلعه‌هایی همراه بود که بعدها در تقابل با دشمنانشان به‌ویژه سلجوقیان، جزو بهترین مراکز دفاعی محسوب می‌شد. از زمانی که داعی حسین قاینی از سوی حسن صباح به قصد گسترش آیین نزاری به قهستان اعزام شد، طرح ساخت یا تسخیر قلعه‌های مستحکم در آن دیار نیز مورد توجه قرار گرفت. قهستان به بخش جنوبی خراسان اطلاق می‌شد که در گذشته، داعیان اسماعیلی در آنجا موفقیت‌هایی به‌دست آورده بودند و در جذب صاحبان قدرت و ثروت به آیین خویش، کامیاب بودند.

سوابق پژوهشی در مورد فعالیت نزاریان قهستان غالباً در مورد مباحث سیاسی و اعتقادی فرقه مذکور بوده است؛ در آثاری چون *آشیا نیه عقاب نوشته ویلی و تاریخ اسماعیلیان قهستان* فرقانی نیز با رویکردی خارج از مباحث اقتصادی، به مسئله پرداخته شده است. رویکرد پژوهش حاضر مبنی بر اهمیت اقتصادی و تجاری قلاع نزاری در قهستان و میزان اثرگذاری آن بر روابط نزاریان و سلجوقیان است و از این نظر، دریچه‌ای نو به تاریخ اسماعیلیان نزاری می‌گشاید. روش بررسی و جمع‌آوری مطالب در پژوهش حاضر میدانی و کتابخانه‌ای بوده است.

۲. دعوت نزاری در قهستان

کوهستان (قهستان) که اعراب به آن قهستان اطلاق کردند، به بخش وسیعی از استان خراسان جنوبی امروزی اطلاق می‌شد. شایان ذکر است نهبندان، که جنوبی‌ترین شهرستان خراسان جنوبی محسوب می‌شود، در منابع جغرافیایی، شهری در قلمرو سیستان بوده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۳۱۰؛ اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۹۲؛ یاقوت حموی، ۱۳۹۷: ۳۴۰) و نیز شمالی‌ترین بخش‌های قهستان قدیم، که شامل خواف، کاشمر، گناباد، و مهنه می‌شد، امروزه در استان خراسان رضوی واقع است.

در ذیل، به ویژگی‌های منحصر به فرد قهستان که در جذب داعیان اسماعیلی قرن چهارم و اخلاف نزاری‌شان در قرن پنجم مؤثر بود، اشاره خواهد شد.

۱.۲ کوهستان

از نظر جغرافیایی، کوهستانی بودن مهم‌ترین مشخصه این منطقه است. لذا، می‌توان گفت یکی از عوامل مهم در انتخاب سرزمین مذکور به عنوان پایگاه جدید نزاریان در ایران، همین ویژگی خاص بوده است. از همین رو است که جوزجانی از مجموع یک‌صد و پنجاه قلعه نزاری در ایران، جایگاه هفتاد قلعه را در قهستان می‌داند (جوزجانی، ۱۳۴۲: ۱۸۶/۲). بیشتر قلاع نزاری قهستان در ارتفاعات و مناطق صعب‌العبور واقع بوده و امروزه بازمانده این اماکن گویای این واقعیت است؛ قلعه‌هایی چون مؤمن‌آباد^۱، درح^۲، طیس مسینا^۳، و شاهنشاه (شاهدژ)^۴ از جمله استحکامات مهم و بازمانده از تاریخ نزاریان قهستان هستند که جملگی در کوهستان‌های پریپچ‌وخم قهستان بنا شده بودند.

۲.۲ رهبر بومی

حضور داعی حسین قاینی در خدمت دعوت اسماعیلی و نقش مهمی که وی در دعوت صاحبان پیشین قلعه الموت به کیش اسماعیلی ایفا کرد و به دنبال آن، اسماعیلیان، قلعه مذکور را به تملک خویش درآوردند (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۸۸: ۸۱)، می‌تواند از علل اساسی انتخاب قهستان به عنوان دومین قطب دعوت نزاری به حساب آید. به عبارت دیگر، از همان آغاز و به سبب نفوذ محلی قاضی حسین قاینی بود که قهستان مطمح نظر رهبر الموت واقع شد (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲ الف: ۵۱۳). قاینی از سوی حسن صباح به قهستان آمد و فعالیت خود را با جدیت آغاز و به تصرف یا ساخت قلعه‌هایی در منطقه اقدام کرد. با حضور قاینی در منطقه، حوزه نفوذ نزاریان به سرعت رو به گسترش نهاد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۸۸: ۸۵).

۳.۲ قدرت‌های حامی

حمایت خاندان‌های حکومتگری نظیر سیمجوریان (حک: ۲۷۹-۴۰۰ق) از داعیان اسماعیلی، یکی از دلایل عمده جذب آنان به قهستان بوده است. سیمجوریان ولایت قهستان را از طرف سامانیان به اقطاع داشتند (جرفادقانی، ۱۳۵۷: ۱۴۱). یکی از امرای سیمجوری به نام ابوعلی برای نشان دادن مخالفت خویش با سامانیان و خلافت عباسی، در ۳۸۴ق در نیشابور، به نام مستنصر، خلیفه فاطمی، خطبه خواند و از فاطمیان حمایت کرد. به دنبال آن، لشکر عظیم اسماعیلی بارها در مقابل سامانیان به یاری او شتافتند (جوزجانی،

۱۳۴۲: ۱/۲۱۳). داعی اسماعیلی دیگری چون امیرحسین مروودی، که در گذشته از امرای سامانی به حساب می‌آمد و بنا به دلایلی از قدرت خلع شده بود، نیز موفقیت‌های بسیاری در خراسان و در زمینه جذب بزرگان سیاسی عصر خویش حاصل کرده بود (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۲۲؛ ابن ندیم، ۱۴۳۰: ۱/۶۶۹)؛ علاوه بر آن، داعیانی چون محمد نخشی و احمد کیال نیز در کسب حمایت بزرگان سیاسی و اجتماعی در خراسان موفق عمل کرده بودند (نسفی سمرقندی، ۱۴۲۰: ۵۷۰-۵۶۳؛ علوی حسینی، ۱۳۴۲: ۱۳۱؛ نظام‌الملک، ۱۳۸۷: ۳۸۷). بنابراین، کامیابی‌های گذشته داعیان اسماعیلی در خراسان و قهستان در جذب اخلاف و هم‌مسلمانان نزاری‌شان به مناطق مذکور، تأثیر بسزایی داشته است. در این عصر نیز همراهی بازمانده خاندان سیمجور به نام المنور، در پیشرفت کار نزاریان بسیار راه‌گشا بود؛ همچنین، ظلم و تعدی کلسارغ، حاکم سلجوقی قهستان، نیز در سرعت گرفتن این پیشرفت تأثیر فراوانی داشت (ابن اثیر، ۱۴۱۵: ۹/۳۹).

۴.۲ پیشینه تشیع و حمایت از علویان

سابقه حضور علویان و هواداران آنها را در قهستان می‌توان یکی دیگر از عوامل جذب نزاریان به این منطقه نام برد؛ به عنوان مثال، اصطخری از قاین به عنوان یکی از مراکز تشیع در خراسان یاد کرده است (اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۱۵). با توجه به شواهد تاریخی موجود، می‌توان فراوانی هواداران علویان را در نیمه شرقی ایران به‌ویژه خراسان و قهستان اثبات کرد. این مناطق با تعداد زیادی از قیام‌های مهم شیعیان و علویان مرتبط بوده و مردم این نواحی هم‌دردی بسیاری با علویان صورت می‌دادند (مسعودی، ۱۳۴۷: ۲/۲۱۶). علاوه بر آن، شخص خلیفه، منصور عباسی، نیز بارها اعلام کرده بود که در خراسان محبت خاندان وی با علویان آمیخته است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۳/۳۳۴؛ عیون‌الحدائق، ۱۸۷۱: ۲۴۶/۳). برخی از داعیان نخستین اسماعیلی نیز می‌کوشیدند در آغاز خود را به شیعیان امامی منتسب کنند. این مسئله نیز خبر از حضور پررنگ و نفوذ بالای شیعیان در خراسان و قهستان داشت، چنان‌که نظام‌الملک در جاهای مختلف به این مسئله اشاره کرده است (نظام‌الملک، ۱۳۸۷: ۲۸۴-۲۸۹).

۵.۲ تجارت

قرارگرفتن قهستان بر سر راه‌های تجاری شرق نیز از جمله عوامل اهمیت یافتن این منطقه از

سوی نزاریان به شمار می‌رفت. این ویژگی از یکسو نیازهای اقتصادی و معیشتی ساکنان قلعه‌ها را برطرف می‌کرد و از سوی دیگر نزاریان می‌توانستند برای ضربه‌زدن به رقبایشان از حربه‌هایی چون ناامن کردن جاده‌ها، مصادره مال‌التجاره کاروانیان و موارد مشابه دیگر استفاده کنند؛ این رقیب هم می‌توانست حاکمیت قدرتمند سلجوقیان کرمان باشد و هم حکام محلی که تحت تأثیر قاضیان و مفتیان اهل سنت منطقه، مشکلات عدیده‌ای را برای نزاریان به وجود می‌آوردند. اشارات متعددی در مورد ایجاد اختلال در امر بازرگانی از سوی نزاریان قهستان وجود دارد؛ به عنوان نمونه، حمله نزاریان به یک کاروان بزرگ تجاری در میانه راه کرمان و قاین، که ابن‌اثیر در ذیل حوادث ۴۹۴ق بدان اشاره کرده، گواه بارز این مدعاست. به گفته وی، فقط یک ترکمن از آن قافله جان سالم به‌دربرد و به قاین آمد و خبر را با اهالی شهر در میان گذاشت. آنان نیز به همراهی و تشویق قاضی کرمانی به جنگ نزاریان شتافتند که موفقیتی به دست نیاوردند (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵: ۳۷/۹). همچنین، جوزجانی به اهمیت بازرگانی و تجاری راه‌های قهستان در اوایل سده هفتم هجری اشاره کرده است. از گفته‌های او چنین برمی‌آید که قهستان پس از حمله مغول، به عنوان تأمین‌کننده بخشی از مایحتاج ساکنان فرارود، خراسان و سرزمین غوریان مطرح بوده است. از همین رو، وی چندین بار برای برقراری مناسبات تجاری از طرف حاکمان غور، راهی قلاع قهستان و دیدار با محتشمان نزاری شد (جوزجانی، ۱۳۴۲: ۲/۱۸۲-۱۸۴).

۶.۲ سیستان

سرانجام، هم‌جواری با سیستان را می‌توان دلیل نهایی انتخاب قهستان از سوی نزاریان برشمرد. از آن‌جا که این منطقه نیز در دوره‌ای از تاریخ، حمایت از اسماعیلیان نخستین را تجربه کرده و داعیان بزرگی چون ابویعقوب سیستانی را در خود پرورده بود و نیز گروه‌های متخاصم بسیار موجبات چندپاره‌شدن آن را فراهم آورده بودند، مکان مناسبی برای بسط و گسترش دعوت نزاری جلوه می‌نمود. بنا به نوشته برخی منابع، ابویعقوب، که از داعیان و فیلسوفان بزرگ اسماعیلی به حساب می‌آمد، در برهه‌ای کوتاه موفق به نفوذ در خاندان حاکم سیستان شده بود، ولی امیر خلف‌بن‌احمد او را به اعدام محکوم کرد (ابن‌ندیم، ۱۴۳۰: ۱/۶۷۳؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۸۸: ۷). با توجه به حضور کم‌رنگ اسماعیلیان نخستین در سیستان، می‌توان گفت همان تفکری که نزاریان را به قهستان کشانده بود، می‌توانست برای جذب صاحبان قدرت، آن‌ها را به سیستان نیز متمایل کند.

منابع تاریخی به تکاپوهای چندین باره نزاریان برای گسترش حوزه نفوذشان به سیستان اشاره کرده‌اند (تاریخ سیستان، ۱۳۸۸: ۳۶۲؛ ملک شاه حسین، ۱۳۸۹: ۷۴).

۳. قلعه‌گزینی نزاریان و نزاع با سلجوقیان

احتمالاً آشنایی داعی حسین قاینی با منطقه موجب شد نزاریان در قهستان پیشرفت‌های سریع و دامنه‌داری داشته باشند، چنان‌که می‌دانیم، قاینی در ۴۸۴ق، از سوی حسن صباح به قهستان اعزام شد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۸۸: ۸۵). دیری نپایید که نزاریان نخستین قلعه‌های مستحکم منطقه را به تصرف خویش درآوردند و در نخستین سال حضور در قهستان، درگیری آنان با سلجوقیان آغاز شد. این مسئله خبر از اهمیت مکان‌هایی می‌دهد که نزاریان به دست آورده و به دنبال آن سلجوقیان را به تحریک واداشته بودند.

۱.۳ قلعه دُرُح

دُرُح که در متون قدیمی شکل نوشتاری آن «دُرُه» بوده، نخستین دژی است که در قهستان به تصرف نزاریان درآمده بود (همان: ۸۶). گفتنی است که شکل قدیم نوشتاری این مکان موجب شده برخی پژوهشگران معاصر آن را با قلعه «دَره» یا غلام‌کش، که با فاصله اندکی در جنوب بیرجند و در کوه‌های باقران واقع است و احتمالاً ارتباطی با تاریخ نزاریان ندارد، اشتباه بگیرند. پژوهشگر و نویسنده کتاب *آشیانه عقاب* از جمله این افراد است (ویلی، ۱۳۸۶: ۲۶۰). روستای درح، که امروزه از توابع شهرستان سریشه است، با فاصله‌ای حدود ۸۰ کیلومتر در جنوب شرقی قلعه معروف مؤمن‌آباد واقع است. قلعه مستحکم این روستا در اوایل ۴۸۵ق به دستور ملک‌شاه سلجوقی و به فرماندهی یکی از امرای معروف او به نام قزل‌سارغ، مورد حمله و محاصره واقع شد (جوینی، ۱۳۸۷: ۴۴۳). سپاه سلجوقی بعد از مدتی با شنیدن خبر درگذشت ملک‌شاه، از محاصره دست‌کشید و با خروج آنان از قهستان، سیاست گسترش و قلعه‌گزینی نزاریان سرعت بیشتری به خود گرفت (همان‌جا). پرسش این‌جاست که چرا سلجوقیان با آن سرعت به اقدام نزاریان مبنی بر تسخیر قلعه درح واکنش نشان دادند. با بررسی موقعیت جغرافیایی قلعه مذکور، پاسخ این پرسش به آسانی روشن می‌شود: قراردادن در حاشیه جاده‌ای که در گذشته سیستان را به خراسان و کرمان متصل می‌کرد، مشخصه بارز آن بوده است. استخری به این جاده و اهمیت تجاری آن اشاره کرده است (اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۱۰). به طور کلی، راه‌هایی که از کرمان به قهستان و سیستان می‌آمدند،

در ادامه، به سمت خراسان امتداد داشتند و از دو طریق به راه‌های این ایالت می‌پیوستند: یکی راهی که از نیشابور به ترشیز، تون، قاین و دیگر شهرهای قهستان می‌رفت و دیگری راهی که از نیشابور به هرات و از آن‌جا به شهرهای سیستان می‌رسید (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲ ب: ۱۷۸). با توجه به موقعیت مکانی قلاع نزاری، باید گفت هر دو مسیر از محدوده سرزمینی نزاریان در قهستان و شمال سیستان عبور می‌کرد.

به واقع، سلجوقیان، از همان آغاز، تلاش خود را جهت برقراری امنیت راه‌های تجاری مصروف داشتند. خراسان و فرارود به جهت شرایط خاص تاریخی و مرکزیت سیاسی و اقتصادی، از دوره طاهریان و سامانیان به بعد، در مقایسه با دیگر مناطق ایران، موقعیت ممتازی داشتند. این نواحی در دوره اسلامی از اولین مناطقی بودند که نخستین نظام‌های سیاسی محلی در آن‌ها شکل گرفت. مرکزیت یافتن سیاسی و حمایت حکومت‌های محلی، مبنای زمینه‌ای برای رونق موقعیت تجاری در این مناطق گردید. مطابق سابقه و شرایط تاریخی، خراسان و فرارود به جهت برخورداری از مراکز شهری گسترده و موقعیت خاص اقتصادی و سیاسی، از مهم‌ترین مراکز تجاری قلمرو سلجوقیان بودند، چراکه نظام سیاسی سلجوقی هم نخستین بار از این مناطق شکل گرفت. شهرهای خراسان و فرارود مقصد پررونق‌ترین مسیر ارتباطی و تجاری این دوره موسوم به شاهراه خراسان بودند که از آن طریق، بغداد، مرکز تجاری، دینی و سیاسی جهان اسلام، با این دو ناحیه در ارتباط بود (لسترنج، ۱۳۸۳: ۱۰). علاوه بر آن، در حفظ امنیت راه‌های تجاری سیستان به خراسان و کرمان نیز از سوی قاوردبک، حاکم سلجوقی کرمان (حک: ۴۳۲-۴۶۶ق)، تلاش‌های بسیاری صورت گرفته بود (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۵۶: ۳۴۰-۳۴۳). همچنین، آنان به تجارت با هند و سرزمین‌های خارج از مرزهای امپراتوری نیز بسیار اهمیت می‌دادند و مسیر تجاری اخیر نیز از سیستان و قهستان عبور می‌کرد (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۹۹). قبل از یورش سلجوقیان به درح نیز نزاریان به کمک این امتیاز شاخص، بارها در مسیر کاروان‌ها قرار گرفته و حملاتی را صورت داده بودند و چنان‌که بدان اشاره شد، ابن‌اثیر روایتگر برخی از این حملات بوده است (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵: ۳۷/۹). سلطان سنجر در ۵۲۷ق، طی نامه‌ای که به وزیر خلیفه مسترشد عباسی در مورد سرکوب نزاریان قهستان نوشت، یکی از مهم‌ترین دلایل اقدام خود را ناامن کردن جاده‌ها از سوی آنان بیان داشت (اقبال، ۱۳۳۸: ۳۱۰). بنابراین، حضور نظامی گروهی متعارض با سیاست سلجوقیان آن هم در نزدیکی یکی از شاهراه‌های تجاری شرق، می‌توانست مقدمات درگیری را خیلی زود فراهم آورد.

انتخاب درح به عنوان نخستین پایگاه نظامی نزاریان از جهت نزدیکی به مرزهای سیستان نیز حایز اهمیت بود، چراکه نزاریان با انتخاب آن، بیشترین مساحتی را که می‌توانستند از قهستان در تملک خویش داشته باشند، مشخص کرده بودند و این مسئله زمانی اهمیت می‌یابد که بدانیم آن‌ها از همان آغاز با تلاش برای تصرف قلعه شاهنشاه که در فاصله ۹۰ کیلومتری جنوب درح واقع است، به نفوذ در سیستان نیز اندیشیده بودند (تاریخ سیستان، ۱۳۸۸: ۳۸۸). هرچند نخست موفق به فتح قلعه مذکور نشدند، تلاش آنان برای به‌دست‌آوردن آن به قرون بعد موکول شد و در نهایت با بسط گسترش و تسلط بی‌چون‌وچرای خویش بر قهستان، راه فتح شاهنشاه را نیز بر خود هموار کرده و با معامله‌ای که با حکام سیستان صورت دادند، حاکمیت آن را نیز به‌دست آورده و از آن پس به مداخله مستقیم در سیستان پرداختند (جوزجانی، ۱۳۴۲: ۱ / ۲۸۱). نفوذ در سیستان تا حد زیادی می‌توانست در یکپارچه‌شدن تسلط نزاریان بر شرق مؤثر باشد. چنان‌که اشاره شد، موفقیت داعیان نخستین اسماعیلی در سیستان، یکی از عوامل اصلی راغب‌شدن نزاریان بدان‌جا بود. به‌حتم، جذب حاکمان سیستان به نهضت نزاری، آرمانی بود که رهبران قهستان در ذهن می‌پروراندند. تلاش‌های فراوان نزاریان ساکن در قهستان برای گسترش حوزه نفوذ در سیستان و نیز ورود آنان به دربار امرای سیستانی و برگزاری مناظرات دینی با رهبران مذهبی آن دیار، گواه بارز این مدعاست (معزی، ۱۳۸۹: ۱۰۷-۱۳۴). اگرچه موفقیت چندانی در این مورد نصیب آنان نشد، تلاش برای گسترش حوزه نفوذ، راهگشای تسلط بلامنازح آنان در قهستان بود.

۲.۳ قلعه طیس مسینا

یکی دیگر از مراکز قدرت نزاری در قهستان، طیس مسینا و دژ معروف و مستحکم آن بود. این قلعه در فاصله ۳۰ کیلومتری شرق مؤمن‌آباد و ۶۰ کیلومتری شمال درح و در محدوده شهرستان درمیان واقع است. از نظر موقعیت جغرافیایی، در دامنه ارتفاعاتی قرار دارد که حداقل دستیابی بدان را از سمت شرق غیرممکن می‌کند. نخستین بار که در منابع به این منطقه و قلعه معروف آن برمی‌خوریم، ارتباط آن با تاریخ نزاریان در قهستان است (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵: ۹ / ۴۲). در دوره حکومت سلطان برکیارق، قهستان به عنوان کانون شرارت نزاریان مطرح بود. برخی از مورخان از جمله ابن‌اثیر به نزدیکی برکیارق و نزاریان اشاره کرده و حتی بیان می‌دارند که مخالفان برکیارق او را فرزند یک زن اسماعیلی مذهب می‌دانستند (همان: ۹ / ۳۱). این روایت چندان درست به‌نظر نمی‌رسد و فقط برای تخریب وی در

مقابل برادران ناتنی‌اش، محمد و سنجر، می‌توانسته مؤثر واقع شود. برکیارق در آغاز برای تحکیم موقعیت خویش از نظر سیاسی، به عملیات نزاریان به دیده اغماض می‌نگریست، اما با وجود تسلط روزافزون آنان در قهستان، نه‌تنها موقعیت وی تحکیم نشد، بلکه به خطر نیز افتاد (هاجسن، ۱۳۸۷: ۱۱۴)، تا جایی که توسط فداییان اسماعیلی مورد سوءقصد واقع شد، اما جان سالم به‌دربرد (راوندی، ۱۳۶۳: ۱۴۳).

برکیارق و سنجر به‌رغم اختلافاتی که با هم داشتند، ترک مخاصمه کرده و علیه نزاریان هم‌پیمان شدند و قرار بر این شد که هر یک از دو برادر به نزاریان حاضر در منطقه تحت حاکمیت خود حمله برده و آنان را قلع‌و‌قمع کنند. لذا، در ۴۹۴ق، سنجر سپاهی را به رهبری بزغاش عازم قهستان کرد. این فرمانده سلجوقی بعد از خرابی‌های بسیاری که در قهستان به‌بار آورد، قلعه طبس را محاصره کرد، ولی با درایت نزاریان ساکن در قلعه، راه به جایی نبرد و از محاصره دست‌کشید (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵: ۴۲/۹). تلفات نزاریان در این یورش، بنا به گزارشی که سنجر به خلیفه عباسی داد، بین ده تا پانزده‌هزار تن بوده است (اقبال، ۱۳۳۸: ۳۱۰)، هرچند این ارقام چندان واقعی به‌نظر نمی‌رسد. سه سال بعد یعنی در ۴۹۷ق، همین سردار سلجوقی بار دیگر به قلعه طبس یورش آورد، ولی این بار نیز موفق به فتح قلعه مذکور نشد (ابن‌اثیر، ۱۴۱۵: ۷۵/۹). بعد از این درگیری‌ها و تهدیدی که از سوی حسن صباح علیه سنجر صورت گرفت، سلجوقیان با شرایطی که برای نزاریان اعلام کردند، با آن‌ها صلح کردند. بنانکردن قلعه جدید، عدم خرید و تجهیز سلاح و دعوت‌نکردن مردم به آیین خویش، از جمله این شرایط بود (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۸۸: ۹۸). فقهای اهل سنت از این صلح ابراز ناخوشنودی کرده و سنجر را به دوستی با نزاریان متهم کردند (میرخواند، ۱۲۷۰: ۱۶۰؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۸۸: ۹۸).

شاید، بتوان گفت در مفاد صلح‌نامه، کم‌اهمیت‌ترین مسئله مباحث دینی و اعتقادی بود؛ به واقع، گذاشتن شرطی مبنی بر دعوت‌نکردن مردم به آیین اسماعیلی، به نحوی، برای راضی‌نگه‌داشتن خلیفه عباسی، علمای اهل سنت منطقه و در نهایت سنیان داوطلبی بود که به همراه سپاه سلجوقی در محاصره طبس شرکت کرده بودند. تقریباً، تمام منابعی که به مفاد صلح‌نامه نزاریان و سلجوقیان اشاره کرده‌اند، احداث‌نکردن قلعه جدید را نخستین و مهم‌ترین شرط صلح بین آنان برشمرده‌اند. سنجر نیز در نامه‌ای که به خلیفه عباسی نوشته‌بود، با تأکید بر ناامن‌کردن راه‌ها و کاروان‌ها از سوی نزاریان به عنوان مهم‌ترین دلیل خصومت خود با آنان اشاره کرده بود (اقبال، ۱۳۳۸: ۳۱۰).

قلعه طبس از نظر موقعیت جغرافیایی در مکانی همانند درح و شاهنشاه و چه بسا حیاتی‌تر از آن‌ها واقع بود. از نظر دفاعی، اگرچه موقعیت بی‌همتای قلاعی چون مؤمن‌آباد و شاهنشاه را نداشت، از نظر نزدیکی به شاهراه تجاری و مسیر کاروان‌های سیستان، کرمان و شرق ایران، جایگاهی به‌مراتب بهتر داشت. این مسیر تجاری از کرمان به قهستان می‌آمد، از بم و فهرج عبور می‌کرد و از آن‌جا به سمت کویر می‌رفت و در نهایت به زرنج و از آن‌جا به درح، طبس مسینا، تون و قاین می‌رسید و در ادامه هم به سمت شهرهای سیستان و از آن‌جا به زاولستان، هند و فرارود می‌رفت (فرقانی، ۱۳۸۱: ۸۲). سفر مارکوپولو از کرمان به سمت شرق و شمال‌شرق ایران از همین مسیر صورت گرفته بود (مارکوپولو، ۱۳۶۳: ۴۵-۵۰). سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه نیز پس از برگشت از هند، از همین مسیر به کرمان رفت و مصایب بسیاری را نیز به علت بیابانی بودن راه متحمل شد (خرندزی، ۱۳۸۴: ۱۲۶). شاخه‌ای از این راه نیز به سمت بلوچستان می‌رفت و در نهایت به بندر تیس (تیز) می‌رسید. این بندر در دوره حکومت سلاجقه کرمان از اهمیت بالایی برخوردار بود و کالاهای فراوانی از آن‌جا به سمت کرمان، قهستان و خراسان حمل می‌شد (افضل‌الدین کرمانی، مقدمه مصحح، ۱۳۴۳: ۱۲-۱۳؛ ابی‌الفدا، ۱۳۲۵: ۳۲-۳۳).

در حقیقت، دو بار هجوم تمام‌عیار سلجوقیان به قلعه طبس و کشتاری که در آن صورت دادند و نیز گزارشی که سنجر در مورد آن به مرکز خلافت ارسال کرد، خود گواه بارز اهمیت آن بود. از طرف دیگر، بعد از صلح صورت‌گرفته، دست اسماعیلیان در گسترش قدرت و نفوذشان بازتر شد و به گفته کاشانی، صریحاً از کاروان‌های تجاری باج و خراج اخذ می‌کردند (کاشانی، ۱۳۶۶: ۱۵۹).

۳.۳ قلعه مؤمن‌آباد

قرارگرفتن قلاع قهستان در یک خط سیر مشخص، گواه بارز این واقعیت است که نزاریان با تسخیر یا ساخت این استحکامات، اهداف مشخصی را دنبال می‌کردند. چنان‌که اشاره شد، بیشتر این قلعه‌ها در کنار راه تجاری سیستان به خراسان و کرمان واقع بودند. از طرف دیگر، قلعه‌هایی چون شاهنشاه، درح و طبس می‌توانستند به عنوان پیش‌قراولان دفاع از مؤمن‌آباد عمل کنند. از شواهد موجود چنین برمی‌آید که قلعه مؤمن‌آباد بعد از ناکامی سلجوقیان در فتح درح و طبس، به عنوان پایگاه اصلی داعی قهستان در نظر گرفته شد و به احتمال فراوان تلاشی که نزاریان برای تصرف قلعه شاهنشاه از خود نشان دادند، به منظور

تأمین امنیت هرچه بیشتر مؤمن آباد بوده است، چراکه در صورت هجوم حکام سیستان به قهستان، درگیری با نزاریان حاضر در قلعه‌های میان‌راهی موجب تقلیل یافتن قدرت مهاجمان شده و فرصت مناسبی را جهت عرض اندام ساکنان مؤمن آباد فراهم می‌کرد.

بررسی موقعیت جغرافیایی قلعه مؤمن آباد نشان می‌دهد که برخلاف قلعه‌هایی چون درح و طبس که در زمینی هموار و ارتفاعی پایین ساخته شده و نیز در کمترین فاصله از مسیر تجاری شرق واقع بودند، این قلعه در مکانی بسیار صعب‌العبور و دورتر از جاده‌های تجاری و در ارتفاعی بسیار زیاد نسبت به سایر استحکامات نزاری واقع بود. با توجه به ویژگی‌های گفته شده، باید گفت این قلعه صرفاً مرکزیت مذهبی و عقیدتی داشته و جایگاه فوق‌العاده امنیتی آن نیز حاکی از همین واقعیت است. لذا، باید گفت اهالی قلعه مذکور نمی‌توانستند مزاحمت چندانی برای کاروان‌های تجاری ایجاد کنند و فقط مدیریت اقدامات خرابکارانه نزاریان را بر عهده داشتند که از سوی ساکنان سایر قلعه‌ها و به صورت آسان‌تر به اجرا درمی‌آمد.

با توجه به تعداد زیاد قلعه‌های موجود در قهستان و به‌ویژه قلعه‌هایی که مؤمن آباد را همچون نگینی احاطه کرده بودند، مرکزیت و اهمیت مذهبی آن بیشتر نیز به چشم می‌آید. با توجه به آثار به‌جامانده از استحکامات نزاری در قهستان، باید گفت حدود ده دژ نظامی مسئولیت محافظت از این مرکز سیاسی و مذهبی را بر عهده داشته است. قرارگرفتن این استحکامات با فواصل مختلف از یکدیگر، نبوغ نظامی رهبران نزاری را بیشتر نشان می‌دهد. قلعه‌های شاهنشاه، شوسف^۶، سریشه^۷، مود^۸، درح، طبس مسینا، فورگ^۹ و گرسک^۹ بارزترین نمونه‌های موجودند.

آنچه بر اهمیت مؤمن آباد به عنوان یک مرکز سیاسی و مذهبی می‌افزاید، اعلام قیامت از سوی حسن دوم، رهبر نزاریان، است. به گواه منابع، دو ماه پس از اعلام قیامت در الموت، نزاریان قهستان در ذی‌القعدة ۵۵۹ق، رسماً عقیده جدید رهبر نزاری را در مؤمن آباد اعلام و به سایر قلاع قهستان ابلاغ کردند (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۸۸: ۱۳۳-۱۳۴). اگرچه جوینی بر آن است که جمع بسیاری از اهالی قهستان، در نتیجه اعلام قیامت، جلالی وطن کرده و خود را در پناه مسلمانان سایر بلاد قرار دادند، در محوریت مؤمن آباد به عنوان دومین مکانی که قیامت در آن اعلام شد، با دیگران هم‌نظر است (جوینی، ۱۳۸۷: ۴۵۶-۴۵۸).

در منابع هیچ اشاره‌ای به سرنوشت نزاریان ساکن در مؤمن آباد نشده است و نیز هیچ خبری که حاکی از درگیری گروه‌های متخاصم با اهالی مؤمن آباد باشد، در دست نیست.

شاید، موقعیت کم‌نظیر قلعه مذکور و نیز مقاومت‌های بسیاری که از سوی قلعه‌های مدافع آن صورت می‌گرفت، راهی برای مهاجمان به سوی آن باز نمی‌کرد. با توجه به شواهد موجود، می‌توان گفت نام مؤمن‌آباد حدود شصت سال به عنوان پایگاه مرکزی دعوت نزاری در قهستان مطرح بوده است. چنان‌که اشاره شد، شروع فعالیت نزاریان قهستان در ۴۸۴ق و از قلعه درح بود و در ۴۹۴ق نیز درگیری‌های پراکنده‌ای با سلجوقیان در قلعه طبس و سایر قلاع اطراف مؤمن‌آباد صورت گرفت. در فاصله اندکی بعد از این تاریخ، نزاریان بر مؤمن‌آباد مسلط شدند و در ۵۵۹ق نیز اعلام قیامت در این قلعه صورت گرفت. لذا، مرکزیت بی‌چون‌وچرای مؤمن‌آباد هنگام اعلام قیامت، امری انکارناپذیر است.

بعد از این تاریخ، در منابع، از مؤمن‌آباد و قلعه آن ذکری به میان نمی‌آید؛ گویا، در واپسین روزهای حاکمیت نزاریان در قهستان، مؤمن‌آباد به عنوان یک مرکز سیاسی و مذهبی چندان مطرح نبوده است. بنا بر نظر برخی پژوهشگران معاصر، بعد از اعلام قیامت در مؤمن‌آباد، رفته‌رفته مرکزیت سیاسی و مذهبی قلاع نزاری در قهستان به قاین و تون (فردوس) منتقل شد (هاجسن، ۱۳۸۷: ۳۱۷). با توجه به توسعه‌طلبی نزاریان به نواحی شمال قهستان و نفوذ بعدی آنان به قومس و دامغان، این تغییر مرکز چندان دور از ذهن نبود، چراکه قرارگرفتن مرکز فرماندهی قلاع در مکانی که با سایر نواحی فاصله کمتری داشته باشد، امری کاملاً منطقی می‌نمود. در تأیید این تغییر مرکز، جوزجانی روایت مبسوطی دارد. وی در ۶۲۱ق به عنوان سفیر و فرستاده حاکم غور برای حل و فصل پاره‌ای مسائل تجاری و بازرگانی به دیدار شهاب‌الدین منصور ابوالفتح، محتشم نزاری قهستان، آمد. به روایت جوزجانی، این دیدار در مرکز نزاریان قهستان، که آن زمان قلعه سر تخت بوده، صورت گرفت (جوزجانی، ۱۳۴۲: ۱۸۳/۲). بقایای این قلعه امروزه در ۱۵ کیلومتری شمال شرقی گناباد واقع است. جوزجانی سال بعد نیز با مأموریتی مشابه به دیدار شمس‌الدین، محتشم جدید قهستان آمد، ولی این بار ضمن گذر از طبس و مؤمن‌آباد، با رهبر نزاریان در قاین - به احتمال زیاد قلعه کوه - دیدار کرد (همان: ۱۸۴/۲). جوزجانی در ادامه توضیحات نسبتاً مفصل خود به حادثه سوء قصد به جان شمس‌الدین اشاره می‌کند که توسط یک پیرمرد زاهد در قلعه تون صورت گرفته بود (همان: ۹۶-۱۸۶). آخرین محتشم نزاری یعنی ناصرالدین هم مدام بین قلاع قهستان در حرکت بود. چنان‌که می‌دانیم، وی مدتی میزبان خواجه نصیرالدین طوسی در قلعه کوه قاین بود و به همراه وی در نوشتن چندین اثر همکاری داشت (خواندمیر، ۱۳۱۷: ۹۹-۱۰۰). در سال پایانی حیات نزاریان و

هنگامی که هلاکو ملک شمس‌الدین کرت را برای به تسلیم واداشتن محتشم ناصرالدین به قهستان فرستاد، او در قلعه سرتخت ساکن بود و بعد از عرض تسلیم، از طرف هلاکو به عنوان حاکم شهر ویران‌شده تون منصوب شد (دفتری، ۱۳۸۶: ۴۸۳).

بنا بر شواهد ذکرشده، می‌توان گفت رهبران نزاری قهستان بعد از مؤمن‌آباد در هیچ پایگاهی حضور ثابت و دایمی نداشتند و با تغییر دایمی محل استقرار خود، جوئی کاملاً امنیتی در قهستان به وجود آورده بودند. حضور پراکنده مغولان و نیز حفظ امنیت رهبر نزاریان می‌تواند به عنوان مهم‌ترین دلایل این اقدام قلمداد شود؛ علاوه بر این، مخالفان اهل سنت که به بهانه‌های مختلف در قلاع قهستان پناهنده می‌شدند نیز در سوءقصد به جان محتشمان نزاری فعال بودند. حادثه قلعه تون در دوران رهبری شمس‌الدین، که ذکر آن رفت، نمونه بارز این دست اقدامات بود.

۴. نتیجه‌گیری

سلجوقیان، به‌ویژه شاخه کرمانی امپراتوری آنان، به تجارت به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع درآمد حکومت خویش بهای فراوانی می‌دادند و در تمامی مناطق تحت حاکمیت آنان اقدامات جالب‌توجهی جهت گسترش رونق تجارت صورت گرفته بود. سرزمین پهناور قهستان که پل ارتباطی سیستان و خراسان به حساب می‌آمد، نقش بسیار مهمی را در تجارت شرق ایفا می‌کرد؛ از همین رو، مورد توجه نزاریان واقع شد و آنان با تصرف قلاع و به‌دست گرفتن نقاط حساس، در تجارت و بازرگانی فعال منطقه خلل فراوانی ایجاد کردند.

نقشی که قلعه‌های مهم نزاری در قهستان ایفا می‌کردند، بسیار حایز اهمیت بود. این نقش گاهی فقط مدیریت مذهبی و سیاسی بود که مؤمن‌آباد در رأس آن قرار داشت و گاهی قدرت اجرایی ساکنان قلعه‌ها مطرح بود که مراکزی مانند درح و طبس مسینا در رأس این قدرت اجرایی بودند و اقدامات خرابکارانه نزاریان در قهستان بر عهده آنان بود. با نفوذ و گسترش نزاریان در مناطق شمال قهستان و تسلط هرچه بیشتر بر جاده‌های تجاری منطقه، نگرش مخالفان نسبت به آنان تغییرات محسوسی یافت. فرستادن سفرا برای برقراری مناسبات تجاری با نزاریان قهستان، بارزترین نمونه این تغییرات بود. در برهه‌ای از زمان و قبل از یورش مغولان به ایران، نزاریان به اهداف اقتصادی و دینی خود در قهستان دست یافته بودند. بخش اعظم این کامیابی‌ها مرهون دراختیارداشتن قلاعی بود که نزاریان را در دستیابی به اهدافشان یاری می‌کرد.

پی‌نوشت

۱. این قلعه در شهرستان درمیان امروزی و در فاصله ۱۶ کیلومتری جنوب مرکز این شهرستان بر فراز کوهستانی صعب‌العبور واقع است و اهمیت آن در تاریخ به دلیل مرکزیت نزاریان قهستان است. گفتنی است که این قلعه نزد بومیان منطقه به «کلّ حسن صباح» معروف است. ولی، فرسایش‌های بادی و سایر خشونت‌های طبیعت امروزه از آن اندک آثاری را به جای گذاشته است.
۲. این قلعه امروزه در فاصله ۸۰ کیلومتری جنوب‌شرقی مؤمن‌آباد و در روستایی به همین نام و در شهرستان سربیشه واقع است.
۳. شهر طبس مسینا، که آن را در منابع طبس عناب نیز معرفی کرده‌اند، از توابع شهرستان درمیان و در فاصله ۲۰ کیلومتری شرق مرکز این شهرستان قرار دارد. قلعه این شهر از جاذبه‌های گردشگری منطقه محسوب می‌شود.
۴. قلعه شاهدژ یا ارگ شاهنشاهی امروزه در فاصله ۷ کیلومتری شمال‌غربی شهرستان نهبندان و در فاصله اندکی از روستای خوانشرف واقع است.
۵. شهری واقع در شهرستان نهبندان و ۳۰ کیلومتری شمال مرکز این شهرستان.
۶. شهرستانی در ۷۰ کیلومتری شرق بیرجند.
۷. شهری واقع در شهرستان سربیشه و ۳۰ کیلومتری شرق بیرجند.
۸. روستایی واقع در شهرستان درمیان و ۱۰ کیلومتری جنوب مرکز این شهرستان.
۹. روستایی واقع در شهرستان درمیان و ۳۰ کیلومتری غرب مرکز این شهرستان.

منابع

- ابن حوقل، محمدبن علی (۱۳۴۵). *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن ندیم، محمدبن اسحاق (۱۴۳۰ق). *الفهرست*، به اهتمام ایمن فؤاد سید، ج ۱، لندن: مؤسسه الفرقان للتراث الإسلامی.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۴۱۵ق). *الکامل فی التاریخ*، به اهتمام عبدالله القاضی، ج ۹، بیروت: دارالکتب علمیه.
- ابی الفداء، عمادالدین اسماعیل (۱۳۲۵ق). *المختصر فی اخبار البشر*، ج ۴، قاهره: المطبعة الحسینیة المصریه.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۴۷). *ممالک و مسالک*، ترجمه محمدبن اسعدبن عبدالله تستری، به اهتمام ایرج افشار، تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی و موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- اقبال، عباس (۱۳۳۸). *وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی*، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و یحیی ذکاء، تهران: دانشگاه تهران.
- بلادری، احمدبن یحیی بن جابر (۱۴۱۷ق). *انساب الاشراف*، به اهتمام سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۳، بیروت: دارالفکر.

- مارکوپولو (۱۳۶۳). *سفرنامه*، ترجمه منصور سجادی، تهران: گویش.
- تاریخ سیستان (۱۳۸۸). تصحیح محمدتقی بهار، تهران: زوار.
- جرفادقانی، ناصح‌بن ظفر (۱۳۵۷). *ترجمه تاریخ یمنی*، به اهتمام جعفر شعار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جوزجانی، عثمان‌بن سراج‌الدین (۱۳۴۲). *طبقات ناصری*، تصحیح عبدالحی حبیبی، ج ۱ و ۲، کابل: انجمن تاریخ افغانستان.
- جوینی، عظاملک (۱۳۸۷). *تاریخ جهانگشا*، تحریر نوین منصور ثروت، تهران: امیرکبیر.
- حدود العالم من المشرق الى المغرب (۱۳۶۲). تصحیح منوچهر ستوده، تهران: طهوری.
- حموی، یاقوت (۱۳۹۷ق). *معجم البلدان*، بیروت: دارالصادر.
- خرندزی زیدری نسوی، شهاب‌الدین (۱۳۸۴). *سیرت جلال‌الدین منکبرنی*، ترجمه فارسی از اصل عربی از مترجم مجهول در قرن هفتم هجری، به اهتمام مجتبی مینوی، تهران: علمی فرهنگی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۱۷). *دستورالوزرا*، تهران: بی‌نا.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۶). *تاریخ و عقاید اسماعیلی*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز.
- راوندی، محمدبن علی (۱۳۶۳). *راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق*، به اهتمام محمد اقبال، تهران: علمی.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۸۸). *جامع‌التواریخ*، به اهتمام محمدتقی دانش‌پژوه و محمد مدرس زنجانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- علوی حسینی، ابوالمعالی محمدبن حسین (۱۳۴۲). *بیان‌الادیان*، تصحیح هاشم رضی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی فراهانی.
- العیون والحدائق فی اخبار الحقائق* (۱۸۷۱م). تصحیح دی گوئجه. م. ج. ج ۳، چاپ لیدن.
- فرقانی، محمد فاروق (۱۳۸۱). *تاریخ اسماعیلیان قهستان*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فرید، یدالله (۱۳۶۶). *سیراندیشه در قلمرو جغرافیای انسانی*، تبریز: دانشگاه تبریز.
- کاشانی، جمال‌الدین ابوالقاسم عبدالله (۱۳۶۶). *زبدة‌التواریخ*، بخش فاطمیان و نزاریان، به اهتمام محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کرمانی، افضل‌الدین (۱۳۴۳). *سلجوقیان و غز در کرمان*، تحریر محمدبن‌ابراهیم خبیسی، به اهتمام محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: طهوری.
- کرمانی، افضل‌الدین (۱۳۵۶). *عقد‌العلی للموقف الاعلی*، به اهتمام علی محمد عامری نائینی، تهران: روزبهان.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک (۱۳۶۳). *تاریخ گردیزی*، به اهتمام عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- لسترنج، گای (۱۳۸۳). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های شرقی خلافت*، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۲ الف). *تاریخ‌گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۲ ب). *نزهة‌القلوب*، تصحیح گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب.

- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۴۷). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معزی، مریم (۱۳۸۹). «بازنگری در روابط اسماعیلیان و ملوک نیمروز بر پایه متنی نویافته»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال دوم، ش ۶.
- ملک شاه حسین بن ملک غیاث الدین (۱۳۸۹). *احیاء الملوک*، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: علمی و فرهنگی.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه بن محمود (۱۲۷۰ق). *روضه الصفا فی سیرة الأنبیا و الملوک و الخلفا*، چاپ سنگی، تهران: بی نا.
- نسفی سمرقندی، عمر بن محمد (۱۴۲۰ق). *التقد فی ذکر علماء سمرقند*، به اهتمام یوسف الهادی، تهران: میراث مکتوب.
- نظام الملک طوسی (۱۳۸۷). *سیاستنامه یا سیر الملوک*، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: علمی و فرهنگی.
- ویلی، پیتر (۱۳۸۶). *آشیانه عقاب*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه.
- هاجسن، مارشال (۱۳۸۷). *فرقه اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: علمی و فرهنگی.

